جهان در سالی که گذشت شاهد وقوع رویدادها و حوادث متعدد در عرصه‌های مختلف و مناطق گوناگون بود.

در آمریکا «ادوارد اسنودان» مامور سابق سیا با افشا کردن نزدیک به ۲۰۰هزار مدرک در رابطه با جاسوسی سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و متحدانش از مکالمات تلفنی و اینترنتی شهروندان آمریکایی و دیگر کشورها رسوایی بزرگی برای مقامات آمریکایی رقم زد که رسانه‌های مختلف جهان از آن به عنوان «رسوایی قرن» نام بردند. تظاهرات مردم آمریکا در شهرهای مختلف این کشور علیه این رسوایی به جایی رسید که روزنامه واشنگتن پست نوشت این افشاگری روحیه جاسوسان آمریکایی را تضعیف و آنان را افسرده کرده است.

شنود مکالمات تلفنی «آنگلا مرکل» صدراعظم آلمان از دیگر پیامدهای این آبروریزی عظیم بود که به اعتماد میان آمریکا و متحدانش خدشه جدی وارد کرد.

در اروپا نیز ترس و نگرانی مقامات اتحادیه اروپا از سرازیر شدن تروریست‌های آموزش دیده این کشورها در سوریه به موطن اصلی‌شان از دیگر رویدادهایی است که مسئولان این کشورها را به کنش‌های متعددی واداشته است.

در خاورمیانه نیز تاثیر بیداری اسلامی همچنان پابرجاست و بر کشورهای این منطقه تاثیر زیادی برجا گذاشته است به نحوی که در مصر کودتای نظامیان و برکناری «محمد مرسی» و دستگیری وی، شروع مجدد درگیری‌های خونین در این کشور بود که بسیاری از تحلیلگران سرنوشت تلخ مرسی را نتیجه اعتماد وی به آمریکا ارزیابی کردند.

پیروزی‌های چشمگیر ارتش سوریه در میدان‌های نبرد علیه تروریست‌ها و تغییر معادلات منطقه‌ای و جهانی به نفع بشاراسد از دیگر تحولات مهم خاورمیانه در سال گذشته است به نحوی که آمریکا، انگلیس، فرانسه و متحدان غربی و عربی آنها از راهکار جنگ و دخالت نظامی علیه نظام سوریه به راهکار سیاسی دیپلماتیک و برگزاری کنفرانس ژنو ۲ متمایل شدند.

در بحرین نیز صدای معترضان و مخالفان رژیم آل خلیفه هنوز به جایی نرسیده و این خاندان با کمک نظامیان عربستان، اردن و امارات همچنان به سرکوب معترضان مشغول است و در مقابل مردم هم گفته‌اند که کوتاه نخواهند آمد.

ادامه انفجارهای انتحاری در عراق نشان می‌دهد که به رغم خروج نیروهای اشغالگر آمریکایی از عراق، این کشور همچنان صحنه تنش، درگیری، انفجار و حوادث خونین است و هنوز رنگ آرامش به خود ندیده است.

در افغانستان مخالفت مردم این کشور با امضای توافقنامه امنیتی کابل-واشنگتن باعث شد که کرزای، رئیس جمهور این کشور این قرارداد را امضا نکند و همین مسئله واکنش‌های زیادی از سوی مقامات غربی به همراه داشت به نحوی که «چاک هاگل» وزیر دفاع آمریکا اعلام کرد که در صورت امضا نکردن این توافقنامه امنیتی، آمریکا کمک‌هایش به افغانستان را قطع می کند. یکی دیگر از رویدادهایی که در روزهای آخر سال گذشته میلادی به وقوع پیوست درگذشت «نلسون ماندلا» قهرمان مبارزه با نژادپرستی در آفریقای جنوب بود.

رهبر کنگره ملی آفریقا به خاطر مبارزه علیه آپارتاید و شرکت در مقاومت مسلحانه علیه نژادپرستی ۲۷سال را در زندان سپری کرد و به مشهورترین چهره مقاومت ملی در آفریقا و در جهان مبدل گشت.

به نظر می‌رسد که با توجه به تحولات سال گذشته در جهان در سال جدید میلادی نیز شاهد درگیری‌ها، تظاهرات و تحولات جدیدی خواهیم بود که در تمام آنها خواسته مردم برای رسیدن به مطالباتشان به وضوح دیده می‌شود.

سرویس خارجی

نارنجی‌های ناراضی

ماجرای ناآرامی در اوکراین به بهانه امضا نشدن توافقنامه تجاری با اتحادیه اروپا از سوی «ویکتور یانوکوویچ»، رئیس‌جمهور اوکراین و به شکل تجمع طرفداران غرب در میدان استقلال «کیف» از ۳۰ آبان‌ماه ۹۲ شروع شد.

مخالفان دولت اوکراین که طرفداران انقلاب ساقط شده نارنجی هستند ابتدا کیف را متهم به سرسپردگی به روسیه کردند. رهبران مخالفان می‌گفتند، دولت به دلیل فشارهای روسیه حاضر به امضای این توافقنامه نشده و آنها برای وادار کردن دولت به امضای این توافقنامه به تحصن و اعتراض‌ها ادامه خواهند داد.

Reuters

دولت اوکراین اما، قرار داده شدن دو شرط سیاسی در یک توافقنامه اقتصادی از سوی اتحادیه اروپا را عامل امضا نشدن آن اعلام کرد. یعنی آزادی «یولیو تیموشنکو» آخرین نخست‌وزیر نارنجی‌ها از زندان و اعزام وی به آلمان به بهانه معالجه. طبق معمول بلافاصله مقامات و رسانه‌های غربی به رهبری آمریکا به حمایت تمام قد از مخالفان پرداخته و کیف را به تحریم و تنبیه تهدید کردند. حتی پس از اینکه «یانوکوویچ» از صدور فرمان عفو و آزادی تمام مخالفان زندانی خبر داد و اعلام کرد توافقنامه تجاری با اتحادیه اروپا را امضا می‌کند، ایالات متحده خواستار شناسایی و مجازات مقاماتی شد که در سرکوب طرفداران غرب دست داشتند. حتی نشستی که بین رهبران اپوزیسیون اوکراین و رئیس جمهور این کشور در کیف برگزار شد و وعده‌هایی که از سوی «یانوکوویچ» داده شد نیز غرب و طرفدارانش در این کشور را مجاب نکرد چرا که تقریبا تمامی اپوزیسیون شرکت‌کننده در این نشست پس از آن اعلام کردند قانع نشده‌اند و تنها در صورت برکناری دولت فعلی و برگزاری انتخابات زودهنگام این کشور روی آرامش را خواهد دید. به عبارتی ظرف یکی دو هفته خواسته اپوزیسیون غربگرای اوکراین از امضای توافقنامه تجاری به سرنگونی دولت تغییر کرد و در تمام مسیر این پروسه، معترضان حمایت‌های آمریکا و غرب را به همراه داشتند به اعتقاد ناظران سیاسی، غرب فرصت خوبی برای تسویه حساب سیاسی با دولتی یافته که چندی پیش حکومت روی کار آورده‌اش در این کشور را ساقط کرد. به عبارت دیگر آمریکا با استفاده از اعتراض‌های مردمی و به بهانه امضا نشدن این توافقنامه انتقام پیروزی «یانوکوویچ» بر «تیموشنکو» را می‌گیرد. پیروزی که چند سال پیش آخرین میخ را بر تابوت انقلاب نارنجی اوکراین زد.

غرب از سوی دیگر با حمایت از مخالفان اوکراین در حال تسویه حساب با روسیه نیز هست. روسیه‌ای که به کمک کشورهایی مثل ایران غرب را در سوریه زمین‌گیر کرده است. در واقع می‌توان این گونه استنباط کرد که غرب در اوکراین نیز در حال جبران شکست‌های خود در سوریه است!

جعفر بلوری

جهان در سالی که گذشت ۱

ایستادگی مقاومت

سال گذشته میلادی را به جرأت می‌توان سال پیروزی‌های شگفت‌آمیز ارتش سوریه نامید. یگان‌های ارتش سوریه در بسیاری از مناطق این کشور از شهرها و روستاهای دور و نزدیک گرفته تا نواحی استراتژیک همچون القلمون، حلب، حمص، غوطه‌شرقی در اطراف دمشق و... به پیروزی‌های بزرگی دست یافتند و موفق شدند شکست سنگینی به تروریست‌ها وارد آورند.

در سال گذشته هزاران تروریست که بیشتر آنان تحت حمایت کشورهای خارجی و غالبا وابسته به گروه تروریستی القاعده بودند به هلاکت رسیدند و تعداد زیادی نیز دستگیر و یا مجروح شدند و تعداد زیادی تروریست‌ها نیز از مواضع خود عقب‌نشینی کرده‌اند.

این در حالی است که پیروزی‌های پی‌درپی ارتش و حمایت مردم از نظام بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه معادلات بین‌المللی را نیز تحت تاثیر قرارداده و کشورهایی که اصرار زیادی به جنگ علیه نظام سوریه و دخالت نظامی در این کشور داشتند از جمله آمریکا، انگلیس، فرانسه، ترکیه، عربستان، قطر و... مجبور به اعتراف شدند و اذعان کردند «بشار اسد رفتنی نیست». مقامات کشورهای مختلف از جمله کشورهای حامی نظام سوریه یا مخالف آن پذیرفتند بحران سوریه راهکار نظامی ندارد و با راه‌حل‌های دیپلماتیک باید آن را حل و فصل کرد. کنفرانس ژنو ۲ که قرار است ۲۲ ماه ژانویه (۲ بهمن) در شهر مونترو سوئیس برگزار شود در راستای حل سیاسی بحران سوریه است.

اکنون نظام سوریه در مقابل فرصتی تاریخی قرار گرفته چرا که عناصر مسلح و گروه‌های مخالف داخلی در برابر توانایی دولت سوریه ناتوان شده‌اند و قادر به رویارویی با ارتش سوریه نیستند و توطئه‌های خارجی برای از میان بردن نظام اسد هم خنثی شده است.

تحلیلگران معتقدند حمایت‌های مردمی از دولت اسد رمز پیروزی‌های ارتش سوریه است با مردمی که وفادار به نظام سوریه هستند و شجاعانه در مقابل گروه‌های تروریستی که با حمایت گسترده عربستان سعودی و به خصوص شخص «بندربن سلطان» رئیس دستگاه اطلاعات این کشور وارد خاک سوریه شده‌اند می‌جنگند.

اگرچه مردم سوریه خواستار اصلاحات در سایه حاکمیت فعلی هستند اما با حمایت‌های خود توانسته‌اند دولت را از این مرحله سخت عبور دهند تا بشاراسد بتواند اصلاحات موردنظر را در این کشور اجرایی کند.

تروریست‌هایی که با گلوله‌های غربی سینه جوانان سوریه را هدف می‌گیرند و یا با اعدام شهروندان بی‌گناه و به تصویر کشیدن آن در رسانه‌های اجتماعی خوش خدمتی خود را به کشورهای مداخله‌گر غرب و عرب نشان می‌دهند جایی در میان مردم سوریه ندارند.

به هر صورت همان طور که وقوع انقلاب‌های عربی در منطقه خاورمیانه در سال ۲۰۱۱ نشان داد که ملت‌ها تصمیم گیرنده اصلی هستند نه حکومت‌ها، درسوریه نیز مردم خود تصمیم می‌گیرند چه کسی بر مسند قدرت قرار داشته باشد.

همان گونه که بشاراسد نیز بارها اعلام کرده اگر مردم کشورم بخواهند کنار می‌روم و انتقال قدرت در سوریه باید توسط مردم و پای صندوق‌های رأی مشخص گردد نه به دست کشورهای خارجی.

بحران کنونی سوریه، آزمون دیگری برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای و برخی از کشورهای خاورمیانه است و به آنها نشان می‌دهد که مردم این کشورها مداخلات بیگانگان در امور داخلی کشورشان را نمی‌پذیرند و حضور بیگانگان در این کشورها به دلایل مختلف نمی‌تواند طولانی باشد. قطعا سال پیش رو شاهد شکست‌های دیگری برای تروریست‌ها و حامیان آنها خواهیم بود.

بحرین؛ قیام پایدار

اعتراضات مردم بحرین همزمان با آغاز قیام‌های مردمی در منطقه خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ آغاز شده و تاکنون در جریان این انقلاب صدها نفر شهید و مجروح شده‌اند یا به زندان افتاده‌اند.

آل‌خلیفه برای سرکوب بیشتر مردم بحرین از نظامیان خارجی به ویژه کشورهای عربی همچون عربستان سعودی، اردن و امارات استفاده می‌کند و پاسخ مطالبات مردم را با گلوله اشک‌آور می‌دهد.

با وجود سختگیری‌های رژیم مخالفان بحرینی اعلام کرده‌اند از ادامه راه انقلاب منصرف نخواهند شد.

طی دو سال گذشته کشور کوچک بحرین با جمعیت حدود یک میلیون نفر روزی را بدون تظاهرات و راهپیمایی مسالمت‌آمیز نگذرانده و روزی نبوده که نیروهای امنیتی آل‌خلیفه به سرکوب مخالفان و معترضان نپردازند.

کشور بحرین در شرایط کنونی در شرایط حساسی قرار دارد و رژیم آل‌خلیفه بی‌توجه به مطالبات مردم می‌کوشد با سرکوب و وعده‌های توخالی، قیام مردم را به شکست بکشاند.

قیام مردم و درخواست‌های برحق آنان از رژیم حاکم، از اصلی‌ترین مسائل داخلی کنونی بحرین است.

طی روزهای اخیر کنفرانس بین‌المللی در منامه پایتخت این کشور با عنوان «گفت‌وگوی منامه» و با حضور مقامات ده‌ها کشور جهان برگزار شد.

هر چند هدف این کنفرانس بررسی مسائل امنیتی منطقه حساس و ژئوپلتیک خلیج‌فارس بود، لیکن شرکت‌کنندگان در این کنفرانس به تنها مسئله‌ای که نپرداختند نحوه برخورد ماموران آل‌خلیفه با مخالفان و رفتار دستگاه امنیتی خاندان آل‌خلیفه بود.

انقلابیون بحرینی با ارسال پیامی از شرکت‌کنندگان در کنفرانس «گفت‌وگوی منامه» خواستند رژیم آل‌خلیفه را تحت فشار قرار دهند تا اقدامات وحشیانه غیرانسانی خود را علیه ملت بحرین متوقف کند.

به اعتقاد انقلابیون رژیم آل‌خلیفه با لبخند از کشورهای جهان استقبال می‌کند در حالی که پشت این لبخند جنایات خود را علیه ملت مظلوم بحرین پنهان می‌سازد؛ ملتی که در ۱۴ فوریه سال ۲۰۱۱ برای دستیابی به حقوق عادلانه و مشروع خود شیوه مسالمت‌آمیز را ترجیح داد اما رژیم در مقابل راه‌حل امنیتی و نظامی را انتخاب کرد.

این رژیم بیش از ۳۰۰۰ نفر از شهروندان این کشور از جمله روحانیون، فعالان حقوق بشر، پزشکان، مهندسان، معلمان و افراد عادی و بی‌گناه را زندانی کرده و برخی از آنان را به حبس‌های طویل‌المدت محکوم کرده است.

مسئولان این رژیم به خواسته‌های مجامع حقوق بشری برای آزادی زندانیان اعتنا نکرده‌اند.

مسئله قابل توجه در رفتارهای رژیم آل‌خلیفه نسبت به معترضان، سرکوب شیعیان است و با اینکه بیش از ۸۰ درصد مسلمانان را شیعیان تشکیل می‌دهند، آل‌خلیفه بیشترین فشارها، هتاکی‌ها و بی‌حرمتی‌ها را نسبت به اکثریت مسلمانان روا می‌دارد تا آنجایی که مساجد و حسینیه‌های شیعیان را تخریب و به نمادهای مقدس شیعیان از جمله نمادهای عاشورایی آنان حمله می‌کند.

مردم بحرین با گذشت بیش از دو سال از قیام مردمی در این کشور و به رغم اینکه تاکید دارند که به راه انقلاب و راه شهدا ادامه خواهند داد از کشورهای حامی حقوق بشر یک پرسش دارند و آن این است که اگر آمریکا، انگلیس، فرانسه و قدرت‌های بزرگ که منافع بزرگ تری در منطقه خلیج فارس دارند از این خاندان حمایت نمی‌کردند آیا آنها می‌توانستند به حیات سیاسی خود ادامه دهند و همچنان به سرکوب مردم بپردازند؟!

فریده شریفی

لشکرکشی فرانسه به آفریقای مرکزی

تهاجم نظامی فرانسه به جمهوری آفریقای مرکزی از جمله رویدادهای سال ۲۰۱۳ میلادی بود.

در ماه مارس سال ۲۰۱۳، «فرانسوا بوزیزه» رئیس‌جمهور آفریقای مرکزی به دست شورشیان «سلکا» سرنگون شد. بوزیزه در جریان کودتای سال ۲۰۰۳ میلادی قدرت را در دست گرفته بود. پس از سرنگونی بوزیزه، هرج و مرج جمهوری آفریقای مرکزی را در برگرفت و غارت، تجاوز و کشتار آغاز شد. در این درگیری‌ها ۳۰۰نفر کشته شدند و شورشیان حکومت را در دست گرفتند.

با ورود گروه‌های مسیحی افراطی و القاعده به بحران جمهوری آفریقای مرکزی، درگیری‌ها شدت گرفت تا اینکه شورای امنیت سازمان ملل متحد پنجم دسامبر ۲۰۱۳ (۱۴ آذر ۱۳۹۲) با تصویب قطعنامه‌ای، مجوز حمله به این کشور را صادر کرد.

پس از صدور مجوز حمله به آفریقای مرکزی، درگیری‌های قومی و مذهبی به اوج خود رسید که حاصل آن ۴۰۰ کشته در طول سه روز (پنجم تا هشتم دسامبر ۲۰۱۳- ۱۴ تا ۱۷ آذرماه ۱۳۹۲) بود.

هواپیماهای جنگی و هلی‌کوپترهای نظامی فرانسه، روز یکشنبه هشتم دسامبر ۲۰۱۳ (۱۷ آذرماه ۱۳۹۲) وارد آفریقای مرکزی شدند. ۱۶۰۰ نظامی فرانسوی نیز به دستور اولاند رئیس جمهور فرانسه به آفریقای مرکزی رفتند.

با اینکه درگیری نظامیان فرانسوی و شورشیان از همان روز هشتم دسامبر آغاز شد اما منابع فرانسوی آغاز رسمی عملیات نظامی را نهم دسامبر (۱۸ آذرماه ۱۳۹۲) اعلام کردند. ضمن اینکه در همان نخستین روز عملیات، دو سرباز فرانسوی قربانی سیاست استعماری کاخ الیزه شدند. این تهاجم نظامی که دومین لشکرکشی فرانسه به آفریقا، در دو سال گذشته است، با حمایت رسمی باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا آغاز شد. آمریکا نیز با پذیرش مسئولیت انتقال نیروهای اتحادیه آفریقا از بوروندی به جمهوری آفریقای مرکزی، رسماً وارد جنگ خونین آفریقای مرکزی در کنار فرانسه شد.

یک نظرسنجی در موسسه ایفوپ فرانسه نشان داد که نیمی از فرانسوی‌ها با عملیات نظامی کشورشان در آفریقای مرکزی مخالف هستند. این موسسه دلیل مخالفت مردم را بحران اقتصادی فرانسه اعلام کرد. رسانه‌های فرانسوی همچون لوموند و فرانس۲۴ هم به انتقاد از این تهاجم نظامی پرداختند اما اولاند با اعلام اینکه هزینه ۵۰ میلیون یورویی این تهاجم نظامی را اتحادیه اروپا تقبل کرده، بر انجام آن تأکید کرد. اولاند تصریح کرد: ۱۶۰۰ نظامی فرانسه تا شش ماه در آفریقای مرکزی می‌مانند و پس از این مدت نیز ۵۰۰ تا ۶۰۰نظامی فرانسوی تا برگزاری انتخابات آفریقای مرکزی در سال ۲۰۱۵ در این کشور ماندگار می‌شوند.

جمهوری آفریقای مرکزی در سال ۱۹۶۰ استقلال خود از فرانسه را اعلام کرد اما فرانسه به بهانه مبارزه با تروریسم آن را درروزهای پایانی سال ۲۰۱۳ اشغال کرد.

ناظران سیاسی اروپا لشکرکشی فرانسه به آفریقای مرکزی پس از کشور مالی را در راستای ادامه سیاست استعماری کاخ الیزه ارزیابی می‌کنند و معتقدند که این سیاست استعماری بحران اقتصادی فرانسه را تشدید خواهد کرد.

ماندلای ماندگار

NELSON MANDELA
1918-2013
AVENG GROUP

درگذشت نلسون ماندلا، رهبر مبارزه با تبعیض نژادی آفریقای جنوبی، یکی از مهم ترین وقایع سال ۲۰۱۳ بود.

نلسون لولیهلاهلا ماندلا درژوئیه ۱۹۱۸ (تیرماه ۱۲۹۷شمسی) به دنیا آمد و پس از سال‌ها مبارزه علیه آپارتاید در روز پنج‌شنبه پنجم دسامبر ۲۰۱۳ (۱۴ آذر ۱۳۹۲) در ۹۵ سالگی درگذشت.

خبر درگذشت رهبر مبارزه با استعمار غرب و تبعیض‌نژادی آفریقای جنوبی درصدر اخبار جهان قرار گرفت و تسلیت مقامات کشورها را در پی داشت.

ماندلا در روستای کوچک «کونو» در استان کیپ شرقی آفریقای جنوبی به دنیا آمد و در رشته حقوق تحصیل کرد. در سال ۱۹۴۸ حزب ملی آفریقای جنوبی با رأی‌گیری از اقلیت سفیدپوست به قدرت رسید و قوانینی را توسط مجلس به تصویب رساند که همان جداسازی نژادی (آپارتاید) بود.

ماندلا علیه این نظام به پاخاست و در سال ۱۹۶۰ شاخه نظامی کنگره ملی آفریقا راتشکیل داد و خود رهبر آن شد. در سال ۱۹۶۱ برای گذراندن دوره آموزش نظامی به الجزایر و اتیوپی رفت اما در ۱۹۶۳ دستگیر و به حبس در جزیره روبن آفریقای جنوبی فرستاده شد. او در ۱۹۶۴ به حبس ابد محکوم شد.

پس از ۱۸ سال در ۱۹۸۲ به زندان بولزمور درکیپ‌تاون و سپس به زندان ویکتور فیرستر درشهر پارل انتقال یافت. او در سال ۱۹۹۰ پس از ۲۷ سال از زندان آزاد شد.

او در سال ۱۹۹۳ جایزه صلح نوبل را دریافت کرد و در سال ۱۹۹۴ رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی شد. در سال ۱۹۹۹ هم با پایان یافتن دوران ریاست جمهوری‌اش از قدرت کناره گرفت.

بیماری او در سال ۲۰۰۴ وخیم شد و در ۲۰۱۳ شدت گرفت. بالاخره پس از ماه‌ها بیماری سخت در ۹۵ سالگی و به دلیل بیماری ریوی و کهولت سن درگذشت.

مراسم یادبود او در روز سه شنبه ۱۰ دسامبر ۲۰۱۳ (۱۹ آذر ۱۳۹۲) در ژوهانسبورگ با حضورمقامات ۷۰ کشور جهان برگزار شد و طی روزهای ۱۱ تا ۱۴ دسامبر (۲۰ تا ۲۳ آذر) پیکر او برای وداع مردم در آمفی‌تئاتر شهر پرتوریا قرار گرفت. ماندلا در ۱۵ دسامبر (۲۴ آذرماه) درزادگاهش به خاک سپرده شد. اکثر تحلیلگران بر این باورند که یاد و خاطره او هیچ‌گاه از یادها فراموش نمی‌شود و او برای همیشه ماندگار شد.

قاسم رحمانی

جنگ نیابتی در عراق

چیزی که در عراق جریان دارد، یک جنگ تمام‌عیار است؛ جنگی که تروریست‌های القاعده و بعثی یک طرف آن قرار دارند و کل نیروهای دولتی طرف دیگر.

شاید دو سال قبل مشکل بود که ردپای عربستان را در نبردهای خیابانی عراق تشخیص داد، اما این حمایت الآن علنی‌تر شده است و حتی روزنامه‌های داخلی سعودی از آن حرف می‌زنند.

برخی تحلیلگران عراق را به لحاظ ساختارهای اجتماعی، قومی و مذهبی مستعد جدال‌های رادیکال داخلی می‌دانند؛ این گزاره تا حدود زیادی درست است، ولی نباید ظرفیت جامعه کنونی عراق در ایستادگی مقابل شیوع یک جنگ داخلی تمام عیار را نیز نادیده گرفت.

اگر هر کشوری به جز عراق شاهد این همه حملات خونین تروریستی بود، کمرش می‌شکست و درگودال هولناک هرج و مرج و قتل وغارت می‌افتاد. ولی عراق آرام است و ایستادگی می‌کند. علتش مشروعیت بالای دولتی است که با آرای مردم شکل گرفته است. طرف‌های مقابل نیز به همان میزان نامشروع هستند؛ بعثی‌ها یادآور «صدام» هستند و شرارت‌ها و بی‌رحمی‌های القاعده هم به طور روزمره در خیابان‌های عراق و سوریه و پاکستان تکرار می‌شود.

لذا، جنگی که در عراق جریان دارد، تعریف شده و محدود است. تروریست‌ها و سعودی‌ها می‌خواهند این جنگ را رنگ و بوی قومی و مذهبی بدهند و آن را به یک فتنه داخلی و بزرگ تبدیل کنند که درآن حق و باطل معلوم نباشد و مردم ندانند که در این بازار مکاره باید جانب چه کسی را بگیرند. اما تاکنون موفق نشده‌اند و احتمالا موفق نخواهند شد.

همانطور که اشاره شد، سال ۹۲ در عراق سال حملات تروریستی بود و بیش از ۹۰ درصد این حملات مردم بی‌گناه کوچه و خیابان را هدف قرار داده‌اند. هرچند مناطق شیعه‌نشین و زائران شیعه در مراسم شیعی و شهرهای مذهبی هدف‌های ثابت حملات تروریست‌های بعثی و وهابی بوده‌اند، ولی مساجد و محله‌های اهل تسنن نیز از این حملات بی‌نصیب نمانده‌اند. جالب است که کسی انگشت اتهام را به سمت شیعیان دراز نمی‌کند، چون سنی‌ها می دانند که شیعیان آنها را از لحاظ مذهبی برادران خود می‌دانند و از لحاظ سیاسی نیز، به دلایل مختلف خواستار وحدت با اهل تسنن هستند.

طی یک سال اخیر حدود ۷۰ حمله تروریستی پرتلفات علیه مردم و نظامیان عراق رخ داده است. استان‌های بغداد، دیالی، صلاح‌الدین و الانبار بیشترین عملیات را از جانب تروریست‌ها شاهد بوده و در مناطق جنوبی و شیعه‌نشین وضعیت امنیتی مثل سال‌های قبل بوده است.

از مجموع ۷۰ حمله تروریستی بزرگ و پرحجم در عراق، ۲۵ حمله بین ۵۰ تا ۱۰۰ شهید در پی داشته است.

کشتار غیرنظامیان در خیابان‌های عراق به قدری وقیحانه بوده است که برخی جریان‌های زیرزمینی مثل «ارتش مختار» علی‌رغم ممانعت دولت بغداد، شکل گرفته‌اند. این گروه عربستان را تهدید به حملات انتقامجویانه کرده و حتی ماه گذشته مسئولیت حمله خمپاره‌ای به خاک عربستان را برعهده گرفته است. دراین حمله شش گلوله خمپاره از جنوب عراق به داخل خاک عربستان اصابت کرده است.

همان طور که «نوری مالکی» نخست‌وزیر عراق پیش‌بینی کرده بود، بحران سوریه نیز اثرات سوء خود را بر عراق گذاشت؛ طی سال جاری گروه «داعش» (امارت اسلامی عراق و شام) فعالیت خود را گسترده‌تر کرده و شبه نظامیان وابسته به آن و گروه‌هایی چون «جبهه النصره» حملات خونینی را در موصل، کرکوک، بغداد و سایر مناطق مرکزی و غربی عراق علیه مردم ترتیب داده‌اند.

سال جاری شاهد عملیات بزرگ نیروهای امنیتی و ارتش عراق علیه گروه‌های تروریستی نیز بوده است؛ دراین عملیات که همچنان ادامه دارد، ضربات مهلکی به تروریست‌ها وارد آمده است؛ تصرف پایگاه اصلی القاعده توسط نیروهای دولتی در خرداد، عملیات ویژه ضدتروریستی در نزدیکی مرزهای سوریه دوماه بعد، انهدام ۵۰ مخفیگاه القاعده در شهریور و دستگیری صدها نفر که با گروه‌های تروریستی همکاری داشتند، از جمله این دستاوردها بود. حکم اعدام ده‌ها تروریست نیز پس از اثبات مجرم بودن آنها در دادگاه، به اجرا درآمد.

اما به همان میزان که نقش عربستان در حملات تروریستی عراق پررنگ‌تر می‌شده نقش ترکیه کمرنگ‌تر می‌شده است علتش این بود که آنکارا پس از شکست در سوریه، سیاست‌های منطقه‌ای خود را متعادل‌تر کرد و مداخلات خود را در عراق کاهش داد. بغداد نیز از نرمش آنکارا استقبال کرد و آبان گذشته «احمد داود اوغلو» وزیر خارجه ترکیه را در بغداد پذیرفت

علاوه بر قضیه تروریست‌ها، بغداد در دو مورد از ترک‌ها دلخوری دارد؛ نخست پناه دادن به افرادی چون «طارق الهاشمی» معاون فراری رئیس جمهور عراق و دوم، ایجاد مراودات دیپلماتیک جداگانه با سران دولت خود مختار منطقه کردستان عراق است. این مراودات از آن جهت اهمیت دارد که ترکیه با دولت خود مختار در مورد خرید نفت از منطقه کردستان مذاکره می‌کرد، اما بعدا هم مقامات آنکارا و هم سران دولت خود مختار رسما اعلام کرده‌اند که در ارتباط با نفت و گاز، فقط دولت مرکزی عراق حق انجام مذاکره و معامله با طرف‌های خارجی را دارد.

از لحاظ سیاسی نیز سال جاری همگرایی میان سران بغداد در مقایسه با سال قبل محسوس‌تر است و این کشور کمتر شاهد مواضع تند سران عراق علیه یکدیگر است.

درکل، تدابیر مالکی و مرجعیت شیعه و به ویژه آیت‌الله «سیدعلی سیستانی» در آرام‌سازی اوضاع متلاطم عراق تاثیرگذار بوده است.

بازی شطرنج کرزای

همه تحولات مهم افغانستان طی سال جاری میلادی را می‌توان تحت دو مقوله محوری جای داد؛ نخست، درگیری با طالبان و دوم، توافقنامه امنیتی کابل- واشنگتن.

طی امسال هر روز تعدادی شبه نظامی طالبان به دست نیروهای دولتی افغان که از جانب ناتو حمایت می‌شدند، کشته شده‌اند. این عملیات به صورت فراگیر انجام می‌شد و همزمان بیش از پنج استان در جنوب و شرق افغانستان را دربرمی‌گرفت.

میزان حملات شبه نظامیان طالبان هم علیه نیروهای دولتی، نظامیان خارجی و مردم غیرنظامی با سال‌های گذشته افزایش محسوسی داشت. این حملات البته در مقایسه با سال ۹۱ یک فرق داشت و آن کمتر شدن عملیات ضدخارجی در پوشش یونیفورم ارتش افغانستان بود. تعداد این حملات به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد.

شبه نظامیان طالبان حداقل هشت حمله همراه با تلفات به اشغالگران داشتند و بیشتر این حملات در شروع فصل گرما (بهار) رخ داده است.

اما، شهر کابل هر چند مرکز حکومت است و نیروهای نظامی و امنیتی زیادی در آنجا حضور دارند و نیروهای اشغالگر نیز به نوبه خود مستقر هستند، رهبران طالبان اصرار فراوان دارند که هر طور شده در این شهر دست به عملیات بزنند.

غیرنظامیان افغانستان نیز یا در عملیات تیراندازی و انفجار بمب طالبان یا بر اثر انفجار مین‌هایی که عناصر این گروه از قبل کار گذاشته بودند، متحمل تلفات شده‌اند. خونین‌ترین حملات طالبان علیه مردم به حدود ۱۰ مورد می‌رسد که در هرات، کابل، قندهار و مناطق غیرشهری انجام شده و جان حدود ۱۵۰ غیرنظامی را گرفته و صدها مجروح بر جای گذاشته است. بیشتر این حملات نیز در دو فصل بهار و تابستان صورت گرفت.

اما فضای سیاسی افغانستان در سال گذشته میلادی تقریبا در انحصار مسائل مرتبط با توافقنامه امنیتی بود؛ بازیگر اصلی مرتبط با توافقنامه نیز شخص «حامد کرزای» رئیس‌جمهور افغانستان بوده است؛ او از یک طرف توانست پای «لویه جرگه» (شورای سنتی بزرگان متشکل از حدود ۲۵۰۰ شخصیت سیاسی، مذهبی و قبیله‌ای) را به میان بکشد و از این طریق هم خود را در ارتباط با توافقنامه بی‌گناه جلوه دهد و هم برای امضای احتمالی آن توسط دولت مشروعیت کسب کند.

کرزای طرف دیگر توافقنامه یعنی آمریکا را نیز به خوبی به بازی گرفته است و در این بازی شطرنج دست برتر را دارد. او می‌داند که ایالات متحده تحت هیچ شرایطی مایل نیست افغانستان را دست خالی رها کند و برود. به همین خاطر، از همین نقطه ضعف به نفع خود استفاده می‌کند. کرزای در ارتباط با بندهای حساس توافقنامه مثل اعطای حق مصونیت قضایی (کاپیتولاسیون) به نظامیان آمریکایی و یا احداث ۹ پایگاه دائمی آمریکا در افغانستان و استقرار حدود ۱۰ تا ۱۵ هزار نیروی رزمی این کشور در این پایگاه‌ها حساسیت زیادی به خرج نمی‌دهد، ولی در ارتباط با حملات اشغالگران ناتو و آمریکایی‌ها به مناطق غیرنظامی و مردم افغان حساسیت زیادی از خود نشان می‌دهد.

به نظر می‌رسد که هدف رئیس‌جمهور افغانستان این است که در چارچوب چنین سیاستی، مشروعیت توافقنامه را در نزد مردم به طور ریشه‌ای زیر سوال نبرد و از طرف دیگر، حرف خودش را که طفره رفتن از امضای توافقنامه باشد، به کرسی بنشاند.

اصرار کرزای به امضای توافقنامه توسط رئیس‌جمهور بعداز وی نیز دو دلیل می‌تواند داشته باشد.

او می‌خواهد به خاطر امضای توافقنامه، در پیشگاه مردم افغانستان و تاریخ این کشور به فردی منفور تبدیل نشود. دلیل دوم به انتخابات ریاست‌جمهوری مربوط می‌شود که قرار است فروردین آینده برگزار شود. مقاومت کرزای مقابل فشارهایی که این روزها از جانب آمریکا متوجه وی و دولتش شده است، او را در نزد افکار عمومی تبدیل به یک قهرمان می‌کند. خصوصا اینکه او در موضعگیری‌های روزانه‌اش آمریکا را به خاطر حملاتی که علیه غیرنظامیان افغان انجام می‌دهد و به خاطر فشارهایی که متوجه دولت کابل کرده است، هدف حملات کلامی تند خود قرار می‌دهد.

حملات پهپادهای آمریکایی و هواپیماهای ناتو به مناطق مسکونی افغانستان مثل قبل ادامه دارد. این حملات در مقایسه با سال قبل افزایش نداشته، ولی حملات کرزای به آمریکا افزایش یافته است! او نسبت به آینده خویش نیز در افغانستان واهمه دارد؛ چرا که درهر صورت، به همراه اشغالگران آمریکایی درسال ۲۰۰۱ وارد افغانستان شده است.

مردم افغانستان نیز طی سال گذشته میلادی علیه اشغالگران آمریکایی دست به تظاهرات زده‌اند؛ هرچند در همه این راهپیمایی‌ها شعار «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اشغالگر» داده شده است و معترضان خواستار خروج اشغالگران از کشورشان شده‌اند، اما علت اولیه برگزاری این تظاهرات سه چیز بوده است؛ ۱)علیه بندهای جنجالی توافقنامه امنیتی، ۲)علیه حملات به مراکز غیرنظامی و ۳)علیه فشارهای آمریکا به دولت کابل برای امضای توافقنامه.

جالب است که در تظاهرات مردم افغان، درکل علیه شخص کرزای شعار داده نمی‌شود یا به ندرت این شعارها شنیده می‌شود. در عوض، این شعارها علیه همان چیزهایی داده می‌شود که کرزای نیز بارها به این موارد اعتراض کرده است.

همه می‌دانند که امضای توافقنامه امنیتی کابل-واشنگتن، ناقض حاکمیت ملی افغانستان است، ولی رئیس‌جمهور افغانستان دراین میان، به قدری ماهرانه عمل کرده و مواضع چند پهلو گرفته است که کسی او را متهم نمی‌کند. کرزای نمی‌گوید بندهای جنجالی توافقنامه ناقض حاکمیت ملی است و آمریکا باید بدون امضای هر توافقنامه‌ای، خاک افغانستان را ترک کند (این حرف دل مردم و معترضان است)، او فقط در مورد حمله به غیرنظامیان حرف می‌زند و امضای توافقنامه را به خودداری آمریکا از این حملات و تعهد نسبت به آن مشروط می‌کند.

سبحان محقق